سفیر روسیه در تهران در گفت‌وگوی تفصیلی با «فرهیختگان»:

تهران و مسکو نبودند، سوریه کشور تروریست‌ها می‌شد

■ آماده قرارداد اقتصادی با تهران هستیم ■ ۹ سال است به دنبال اخذ مجوز تاسیس مرکز فرهنگی روسیه در ایران هستیم! ■ قالیباف دسامبر به مسکو می‌رود

صادق امامی و سیدمهدی طالبی
گروه بین‌الملل

در میان تغییر و تحولات عرصه بین‌الملل، روسیه به‌خوبی راه خود را پیدا کرده است. حداقل می‌توان گفت مردم روسیه به چنین جمع‌بندی‌ای رسیده‌اند. اکثریت آنها از وضعیت داخلی و بین‌المللی روسیه، آنقدر راضی هستند که در یک همه پرسی، موافقت خود را برای اینکه ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری کنونی این کشور بتواند، راهبرد روسیه ۲۰۳۰ را محقق کند، اعلام کردند. در دو دهه گذشته پوتین با رئیس‌جمهور یا نخست‌وزیر بوده است. او توانسته در سال‌هایی که در قدرت حضور داشته روسیه را از یک کشور به حاشیه رانده‌شده، به متن تحولات بیاورد و رفته‌رفته جایگاه جهانی خود را به دست بیاورد. ظهور مجدد روسیه، نگرانی‌هایی را در اروپا و آمریکا به دنبال داشته است. با وجود اینکه کشورهای اروپای غربی تمایل چندانی برای همکاری با مسکو ندارند، اما نیاز آنها به این کشور باعث شده سیاست‌های پیشین خود را تا حدودی کنار بگذارند. علاوه بر این، ظهور جریان‌های ملی‌گرا در اروپا و علاقه آنها به سیاستمداران مقتدری همچون پوتین، باعث تغییر نسبی نگاه به روسیه در جامعه نخبگانی و مردمی اروپا شده است. در آمریکا اما وضع به این شکل نیست. حداقل از سال ۱۹۶۰ که مناظرات تلویزیونی کاندیداهای ریاست‌جمهوری برای مردم پخش شد، روسیه بخشی از این مناظرات بود و تا الان نیز چنین است. آمریکا حتی با تهدید و تحریم متحدانش، سعی می‌کند مانع ارتباط‌گیری اروپا و روسیه شود. از سوی دیگر مقامات واشنگتن به خوبی می‌دانند این راهکار مؤثر نخواهد بود. آنان که تا حدودی از اروپای غربی ناامید شده‌اند، برای مهار روسیه، تمرکز خود را بر محیط پیرامونی مسکو گذاشته‌اند و تلاش می‌کنند با ایجاد پایگاه در اروپای شرقی، به مقابله با روسیه بپردازند. در سال‌های که اروپا از تغییرات ساختاری در آمریکا و تغییر نگاه این کشور به متحدان سابقش می‌گوید، کمی بعید است راهبرد ضدروسی به نتیجه برسد. درباره روسیه جدید با لوان جاگاریان، سفیر روسیه در تهران گفت‌وگو کردیم. جاگاریان، نزدیک به ۱۰ سال در تقاطع خیابان نوفل‌لوشاتو و میرزا کوچک‌خان جنگلی، سفیر فدراسیون روسیه در تهران است. در این گفت‌وگو تلاش کردیم با سفیر روسیه، بیش از مساله ایران، درباره راهبردهای روسیه در دوران پوتین و نگاه این کشور به اروپا بپردازیم. هرچند در بخشی از گفت‌وگوی نزدیک به یک‌ساعته، به مسائلی درباره همکاری‌های مسکو-تهران در زمینه‌های مختلف نیز پرداخته شد اما به جهت احتمال کارشکنی کشورهای غربی در این زمینه، این بخش به درخواست جاگاریان، از متن گفت‌وگو حذف شده است. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

از شما به‌دلیل وقتی که در اختیار روزنامه «فرهیختگان» قرار داده‌اید، متشکرم. نخست مایل هستم از حوزه فرهنگ برای شروع گفت‌وگو، استفاده کنم. با اینکه در افکارعمومی منطقه، روسیه از لحاظ تمدنی کشوری غربی به حساب می‌آید اما برخلاف بسیاری از کشورهای غربی، در روسیه به نهاد خانواده اهمیت زیادی داده می‌شود. در قانون اساسی جدید روسیه که چندماه پیش به همه‌پرسی گذاشته شد، همچنین گرایی ممنوع اعلام شد، مساله‌ای که نشانگر حمایت این قانون از نهاد خانواده است. سه‌شنبه هفته گذشته نیز روز تکریم پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در روسیه بود. مجموع این شرایط نشان می‌دهد فرهنگ در روسیه بیش از آنکه تصور کنیم غربی است. فرهنگی بومی، اصیل و شرقی است.

در ابتدا از تشریف‌فرمایی شما تشکر می‌کنم. در روسیه فرهنگ بسیار مهم و مورد توجه است. شما به ازدواج همجنس‌گرایان اشاره کردید. ما این را رسما نمی‌پذیریم و در آینده نیز به رسمیت نخواهیم شناخت. البته آنچه در کشورهای غربی رخ می‌دهد مربوط به امور داخلی آنها است و ما در آن مداخله نمی‌کنیم، با وجود آنکه آنها در امور داخلی ما دخالت می‌کنند. کشورهای غربی عقیده دارند کسی نمی‌تواند در امور داخلی آنها مداخله کند اما این کشورها حق دارند خود را موظف می‌دانند در امور داخلی کشورهای مستقل به رسمیت بشناسند. البته نه در امور داخلی این کشورها دخالت نمی‌کنیم ولی اگر تهدید خارج از کشور باشد، مساله فرق می‌کند.

فرهنگ، یکی از حوزه‌های توسعه روابط کشورها است. ایران و روسیه پیشینه ۵ قرن مناسبات رسمی دیپلماتیک با یکدیگر را دارند. با این حال متاسفانه روسیه و ایران، شناخت دقیق و درستی از یکدیگر غربی به حساب می‌آید اما برخلاف بسیاری از کشورهای غربی، در روسیه به نهاد خانواده اهمیت زیادی داده می‌شود. در قانون اساسی جدید روسیه که چندماه پیش به همه‌پرسی گذاشته شد، همجنس‌گرایی ممنوع اعلام شد، مساله‌ای که نشانگر حمایت این قانون از نهاد خانواده است. سه‌شنبه هفته گذشته نیز روز تکریم پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در روسیه بود. مجموع این شرایط نشان می‌دهد فرهنگ در روسیه بیش از آنکه تصور کنیم غربی است. فرهنگی بومی، اصیل و شرقی است.

در ابتدا از تشریف‌فرمایی شما تشکر می‌کنم. در روسیه فرهنگ بسیار مهم و مورد توجه است. شما به ازدواج همجنس‌گرایان اشاره کردید. ما این را رسما نمی‌پذیریم و در آینده نیز به رسمیت نخواهیم شناخت. البته آنچه در کشورهای غربی رخ می‌دهد مربوط به امور داخلی آنها است و ما در آن مداخله نمی‌کنیم، با وجود آنکه آنها در امور داخلی ما دخالت می‌کنند. کشورهای غربی عقیده دارند کسی نمی‌تواند در امور داخلی آنها مداخله کند اما این کشورها حق دارند خود را موظف می‌دانند در امور داخلی کشورهای مستقل به رسمیت بشناسند و ما نیز نیاز داریم روسیه را از یک کشور به حاشیه رانده‌شده، به متن تحولات بیاورد و رفته‌رفته جایگاه جهانی خود را به دست بیاورد. ظهور مجدد روسیه، نگرانی‌هایی را در اروپا و آمریکا به دنبال داشته است. با وجود اینکه کشورهای اروپای غربی تمایل چندانی برای همکاری با مسکو ندارند، اما نیاز آنها به این کشور باعث شده سیاست‌های پیشین خود را تا حدودی کنار بگذارند. علاوه بر این، ظهور جریان‌های ملی‌گرا در اروپا و علاقه آنها به سیاستمداران مقتدری همچون پوتین، باعث تغییر نسبی نگاه به روسیه در جامعه نخبگانی و مردمی اروپا شده است. در آمریکا اما وضع به این شکل نیست. حداقل از سال ۱۹۶۰ که مناظرات تلویزیونی کاندیداهای ریاست‌جمهوری برای مردم پخش شد، روسیه بخشی از این مناظرات بود و تا الان نیز چنین است. آمریکا حتی با تهدید و تحریم متحدانش، سعی می‌کند مانع ارتباط‌گیری اروپا و روسیه شود. از سوی دیگر مقامات واشنگتن به خوبی می‌دانند این راهکار مؤثر نخواهد بود. آنان که تا حدودی از اروپای غربی ناامید شده‌اند، برای مهار روسیه، تمرکز خود را بر محیط پیرامونی مسکو گذاشته‌اند و تلاش می‌کنند با ایجاد پایگاه در اروپای شرقی، به مقابله با روسیه بپردازند. در سال‌هایی که اروپا از تغییرات ساختاری در آمریکا و تغییر نگاه این کشور به متحدان سابقش می‌گوید، کمی بعید است راهبرد ضدروسی به نتیجه برسد. درباره روسیه جدید با لوان جاگاریان، سفیر روسیه در تهران گفت‌وگو کردیم. جاگاریان، نزدیک به ۱۰ سال در تقاطع خیابان نوفل‌لوشاتو و میرزا کوچک‌خان جنگلی، سفیر فدراسیون روسیه در تهران است. در این گفت‌وگو تلاش کردیم با سفیر روسیه، بیش از مساله ایران، درباره راهبردهای روسیه در دوران پوتین و نگاه این کشور به اروپا بپردازیم. هرچند در بخشی از گفت‌وگوی نزدیک به یک‌ساعته، به مسائلی درباره همکاری‌های مسکو-تهران در زمینه‌های مختلف نیز پرداخته شد اما به جهت احتمال کارشکنی کشورهای غربی در این زمینه، این بخش به درخواست جاگاریان، از متن گفت‌وگو حذف شده است. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

شما به‌دلیل وقتی که در اختیار روزنامه «فرهیختگان» قرار داده‌اید، متشکرم. نخست مایل هستم از حوزه فرهنگ برای شروع گفت‌وگو، استفاده کنم. با اینکه در افکارعمومی منطقه، روسیه از لحاظ تمدنی کشوری غربی به حساب می‌آید اما برخلاف بسیاری از کشورهای غربی، در روسیه به نهاد خانواده اهمیت زیادی داده می‌شود. در قانون اساسی جدید روسیه که چندماه پیش به همه‌پرسی گذاشته شد، همجنس‌گرایی ممنوع اعلام شد، مساله‌ای که نشانگر حمایت این قانون از نهاد خانواده است. سه‌شنبه هفته گذشته نیز روز تکریم پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در روسیه بود. مجموع این شرایط نشان می‌دهد فرهنگ در روسیه بیش از آنکه تصور کنیم غربی است. فرهنگی بومی، اصیل و شرقی است.

در ابتدا از تشریف‌فرمایی شما تشکر می‌کنم. در روسیه فرهنگ بسیار مهم و مورد توجه است. شما به ازدواج همجنس‌گرایان اشاره کردید. ما این را رسما نمی‌پذیریم و در آینده نیز به رسمیت نخواهیم شناخت. البته آنچه در کشورهای غربی رخ می‌دهد مربوط به امور داخلی آنها است و ما در آن مداخله نمی‌کنیم، با وجود آنکه آنها در امور داخلی ما دخالت می‌کنند. کشورهای غربی عقیده دارند کسی نمی‌تواند در امور داخلی آنها مداخله کند اما این کشورها حق دارند خود را موظف می‌دانند در امور داخلی کشورهای مستقل به رسمیت بشناسند. البته نه در امور داخلی این کشورها دخالت نمی‌کنیم ولی اگر تهدید خارج از کشور باشد، مساله فرق می‌کند.

شما چنین احتمالی می‌دهید یا آنها چنین تصوری دارند؟

بنده اصلا راجع به نتیجه انتخابات آمریکا تفسیری ندارم. زیرا نمی‌خواهم در امور داخلی کشوری مداخله کنم. هر کسی که از طرف مردم آمریکا انتخاب شود، ما به او احترام می‌گذاریم و تلاش می‌کنیم با او مذاکره کنیم. ما مداخله که ما از این وضع ناراضی هستیم، ایران و چین را به دخالت در انتخابات متهم می‌کنند. من وقتی گفتند برای آمریکا خط تحت چین است و دوم روسیه و بعد ایران، به شوخی گفتم که ما از این وضع ناراضی هستیم. چرا؟ چون خط اول روسیه باشد! چرا به ما جایگاه دوم را دادند؟ به‌درحال از حدی بگویم، آنها فقط دنبال بهانه هستند. چرا؟ چون روسیه مثل ایران، کشوری مستقل با سیاست خارجی مستقل است.

به سخن مکرون درباره مرگ مغزی ناتو اشاره کردید. رفتارهای سیاست خارجی روسیه در اروپا به‌نوعی هوشمندانه تلقی می‌شود. اگر خطوط انرژی را بخشی از شبکه امنیت قدرت درنظر بگیریم، روس‌ها با خط لوله نورد استریم ۱ و ۲ بخش مهمی از این اعصاب را دراختیار گرفتند. شما مدعی‌اید اروپا را از شوروی سابق و حالا روسیه ترساند اما حداقل با تغییر و تحولاتی که در اروپا با قدرت گرفتن جریانات دست راستی، شاهد هستیم گرایش به روسیه افزایش پیدا کرده است. ارسال این پالس از طرف اروپای غربی به آمریکا، باعث شده واشنگتن به تقویت حضورش در محیط پیرامونی روسیه مثل لهستان تمایل پیدا کند. شما در این زمینه چه اقدامی خواهید کرد؟

درباره خطوط لوله انتقال انرژی باید بگویم که ما آمادگی داشتیم و داریم به آلمان و سایر کشورهای غربی گاز طبیعی، ارزان‌تر از آل‌ان‌جی بفروشیم ولی آمریکا دراین‌باره کشورهای اروپایی را تهدید کرده و آنها را مجبور ساخته تا گاز آل‌ان‌جی آمریکا را به چندبرابر گران‌تر از گاز طبیعی روسیه، بخرند. متاسفانه آمریکا نبود استریم را تحریم کرد ولی ما آن را به پایان می‌رسانیم. می‌توانستیم که دولت آلمان مخالفتی نکند و از قضیه ناوالنی برای ایجاد مشکل سوءاستفاده نکند. اگر مشکل ایجاد شده برای کشور خودشان است چون برای این خط لوله، پول زیادی مصرف شده است.

اما درباره بخش دوم سوال، ما این تهدیدها را می‌بینیم. آنها [آمریکایی‌ها] تلاش می‌کنند حضور خود را در نزدیکی مرز روسیه و در جمهوری‌های بالتیک که قبلا جزء اتحاد جماهیر شوروی بودند، افزایش دهند. ما گفتیم آمادگی داریم برای مذاکره با آنها که کشیم ولی اگر آنها به پیشنهاد ما توجه نداشتند ما مجبوریم برای هر نوع تهدید خارجی آمادگی داشته باشیم. شما از تحولات و حوادث اخیر در بلاروس مطلع هستید. در این تظاهرات، غربی‌ها آشکارا مداخله کردند و می‌کنند و به اعتصاب و بی‌نظمی در خیابان‌ها دامن می‌زنند. حتی به اقدامات تروریستی اعتبار می‌دهند. ما در امور داخلی بلاروس مداخله نمی‌کنیم اما چون بلاروس عضو قرارداد امنیت دسته‌جمعی است اگر خدای ناکرده یک کشور خارجی بلاروس را تهدید کند، ما مداخله می‌کنیم. این را همه می‌دانند. ۶ کشور روسیه، ارمنستان، بلاروس و ۳ کشور آسیای مرکزی قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان عضو این پیمان هستند. البته ما در امور داخلی این کشورها دخالت نمی‌کنیم ولی اگر تهدید خارج از کشور باشد، مساله فرق می‌کند.

شاهنشاهی ایران بازمی‌گردد. الان اتحاد جماهیر شوروی و دولت شاهنشاهی ایران کجاست؟ الان شرایط بسیار تغییر کرده است. الان نه شوروی را داریم و نه دولت شاهنشاهی. یک طرف فدراسیون روسیه و طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران است. لذا نیاز است واقعیتی که درحال حاضر به وجود آمده را در نظر گرفت. باید با سرعت بیشتری با هم تعامل کنیم تا ان‌شاءالله مرکز فرهنگی ما افتتاح شود. باور کنید در طول ۹ سالی که بنده سفیر بوده‌ام برای تاسیس این مرکز بسیار تلاش کرده‌ام ولی تا به‌حال موفق نشده‌ام.

یعنی ۹ سال پیگیر برای تاسیس دفتر فرهنگی روسیه بودید؟

بله. ۹ سال است که پیگیر این مساله هستم اما تاکنون موفق نشده‌ام. ما حتی برای مرکز فرهنگی روسیه ده‌بودی سفارت ساختمان هم داریم. این ساختمان قبلا در زمان شوروی فعال بود ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مسدود شد. چون روابط ایران و شوروی به‌دلیل حضور نظامی شوروی در افغانستان و دلایل دیگر خوب نبود. الان که وارد مرحله دیگری شده‌ایم و به یکدیگر نیاز داریم، نباید چنین باشد. لذا این بار از طریق شما این پیام را می‌فرستم. ما مستقیم هم همین را می‌گوییم.

اجازه دهید به مسائل روسیه و اروپا بپردازم. در دهه‌های گذشته، بنا به دو دلیلی- آمریکا و اروپا، روسیه را به‌عنوان یک تهدید تلقی می‌کردند و همین مساله نیز منجر به تاسیس ناتو شد. آمریکا همچنان روسیه را به‌عنوان تهدید جدی تلقی می‌کند. با این حال به‌نظر می‌رسد در چند سال اخیر و به‌ویژه پس از روی کار آمدن ترامپ، شاهد برخی تغییرات در اروپا هستیم. اظهارات مرکل، صدراعظم آلمان، مامی وزیر امور خارجه این کشور و امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه نشان می‌دهد تمایلاتی برای نزدیک شدن به روسیه وجود دارد. چه اتفاقی در اروپا در حال رخ دادن است که ۳ کشور اصلی آن یعنی آلمان و فرانسه در ظاهر از تغییر نگرش خود به روسیه سخن می‌گویند؟

ما احساس نمی‌کنیم که نگرش آنها این گونه تغییر کرده است. چند روز پیش آقای لاوروف وزیر امور خارجه از رفتار کشورهای اروپایی بعد از سرودمای سمومیت آقای ناوالنی انتقاد کرد. این ادعاها تاثیر منفی در روابط دوجانبه داشت. ما به آنها گفتیم که اگر شما مایلید با روسیه روابط خوبی داشته باشید، باید همکاری برابر و مساوی داشته باشیم. اجازه نمی‌دهیم شما به ما فشار بیاورید و تهدید و اراده خودتان را دیکته کنید. این برای روسیه قابل قبول نیست. روسیه کشور بزرگی است و به‌هیچ‌وجه اجازه نمی‌دهد کسی با چنین زبان تندی با او سخن بگوید. تا زمانی که آنها این را درباره ناتو به نکته درستی اشاره کردید، همین را از فعالیت ناتو مایوس شده‌اند. ترامپ گفت که ما از کشورهای اروپایی درخواست می‌کنیم برای ناتو بیشتر هزینه کنند. آقای مکرون هم گفت ناتو دچار مرگ مغزی شده است. از طرف دیگر ترکیه از روسیه سامانه اس-۴۰۰ را خریداری کرده است و آمریکا تهدید کرده که ترکیه را تحریم می‌کند. همچنین اختلاف‌نظرهای دیگری هم که در ناتو وجود دارند بسیار جدی هستند. یکی این موارد درگیری‌های اخیر بنوان و ترکیه است که در آن فرانسه از بنوان حمایت کرده است. این کشورها متحدان نظامی هستند اما هیچ وحدتی ندارند.

اروپا از سیاست ترامپ ناراضی است و برداشت شخصی بنده این است که آنها انتظار پیروزی جوبایدن را در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا دارند.

شما در جلسه اخیر سکو تمرکز ویژه‌ای روی حوزه فرهنگ، سینما و موسیقی داشته است. این طور به‌نظر می‌رسد روسیه تلاش می‌کند برای مقابله با تهاجم غرب، فرهنگی را حفظ و آن را به نسلهای عمومی در جهان بگذارد. روسیه چه تصوری در این زمینه دارد و چقدر در این حوزه رشد داشته است؟

بعد از فروپاشی شوروی در دهه ۱۹۹۰، دنیا دوقطب در حوزه فرهنگی روسیه خیلی زیاد بود. بازار سینمای روسیه مملو از فیلم‌های ساخت کشورهای غربی، اروپا، آمریکای شمالی و آمریکای لاتین بود. آن زمان روسیه در وضعیت خیلی دشواری قرار داشت اما بعد از اینکه آقای پوتین رئیس‌جمهور شد، به‌تدریج روسیه روند رو به رشدی را آغاز کرد. الان ما در روسیه فیلم‌های خودمان را تولید می‌کنیم و در شبکه‌های مختلف تلویزیون روسیه چه در مرکز و چه در استان‌ها و چه در سینما، عمدتا فیلم‌های روسی به نمایش گذاشته می‌شوند. این فیلم‌ها بسیار مورد توجه مردم قرار گرفته‌اند. تیرا تولید روسیه بوده و زندگی فعلی مردم روسیه را منعکس می‌کنند. فیلم‌های روسی برای مردم جالب‌تر است. شاید فیلم‌های غربی برای مردم کشورهای اروپایی جالب باشد ولی برای مردم روسیه این گونه نیست. اما برای نمایش گذاشته می‌شوند. فیلم‌های غربی و هم فیلم‌های روسی هر دو جالب هستند. مردم و جوانان روسیه برای تماشای فیلم‌های غربی، بیشتر از امکانات اینترنتی استفاده می‌کنند. این وضعیت به‌خصوص با شیوع کرونا که مردم ترجیح می‌دهند در خانه باشند و از اینترنت استفاده کنند، بیشتر شده است.

فرهنگ، یکی از حوزه‌های توسعه روابط کشورها است. ایران و روسیه پیشینه ۵ قرن مناسبات رسمی دیپلماتیک با یکدیگر را دارند. با این حال متاسفانه روسیه و ایران، شناخت دقیق و درستی از یکدیگر غربی به حساب می‌آید اما برخلاف بسیاری از کشورهای غربی، در روسیه به نهاد خانواده اهمیت زیادی داده می‌شود. در قانون اساسی جدید روسیه که چندماه پیش به همه‌پرسی گذاشته شد، همجنس‌گرایی ممنوع اعلام شد، مساله‌ای که نشانگر حمایت این قانون از نهاد خانواده است. سه‌شنبه هفته گذشته نیز روز تکریم پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در روسیه بود. مجموع این شرایط نشان می‌دهد فرهنگ در روسیه بیش از آنکه تصور کنیم غربی است. فرهنگی بومی، اصیل و شرقی است.

در ابتدا از تشریف‌فرمایی شما تشکر می‌کنم. در روسیه فرهنگ بسیار مهم و مورد توجه است. شما به ازدواج همجنس‌گرایان اشاره کردید. ما این را رسما نمی‌پذیریم و در آینده نیز به رسمیت نخواهیم شناخت. البته آنچه در کشورهای غربی رخ می‌دهد مربوط به امور داخلی آنها است و ما در آن مداخله نمی‌کنیم، با وجود آنکه آنها در امور داخلی ما دخالت می‌کنند. کشورهای غربی عقیده دارند کسی نمی‌تواند در امور داخلی آنها مداخله کند اما این کشورها حق دارند خود را موظف می‌دانند در امور داخلی کشورهای مستقل به رسمیت بشناسند و ما نیز نیاز داریم روسیه را از یک کشور به حاشیه رانده‌شده، به متن تحولات بیاورد و رفته‌رفته جایگاه جهانی خود را به دست بیاورد. ظهور مجدد روسیه، نگرانی‌هایی را در اروپا و آمریکا به دنبال داشته است. با وجود اینکه کشورهای اروپای غربی تمایل چندانی برای همکاری با مسکو ندارند، اما نیاز آنها به این کشور باعث شده سیاست‌های پیشین خود را تا حدودی کنار بگذارند. علاوه بر این، ظهور جریان‌های ملی‌گرا در اروپا و علاقه آنها به سیاستمداران مقتدری همچون پوتین، باعث تغییر نسبی نگاه به روسیه در جامعه نخبگانی و مردمی اروپا شده است. در آمریکا اما وضع به این شکل نیست. حداقل از سال ۱۹۶۰ که مناظرات تلویزیونی کاندیداهای ریاست‌جمهوری برای مردم پخش شد، روسیه بخشی از این مناظرات بود و تا الان نیز چنین است. آمریکا حتی با تهدید و تحریم متحدانش، سعی می‌کند مانع ارتباط‌گیری اروپا و روسیه شود. از سوی دیگر مقامات واشنگتن به خوبی می‌دانند این راهکار مؤثر نخواهد بود. آنان که تا حدودی از اروپای غربی ناامید شده‌اند، برای مهار روسیه، تمرکز خود را بر محیط پیرامونی مسکو گذاشته‌اند و تلاش می‌کنند با ایجاد پایگاه در اروپای شرقی، به مقابله با روسیه بپردازند. در سال‌هایی که اروپا از تغییرات ساختاری در آمریکا و تغییر نگاه این کشور به متحدان سابقش می‌گوید، کمی بعید است راهبرد ضدروسی به نتیجه برسد. درباره روسیه جدید با لوان جاگاریان، سفیر روسیه در تهران گفت‌وگو کردیم. جاگاریان، نزدیک به ۱۰ سال در تقاطع خیابان نوفل‌لوشاتو و میرزا کوچک‌خان جنگلی، سفیر فدراسیون روسیه در تهران است. در این گفت‌وگو تلاش کردیم با سفیر روسیه، بیش از مساله ایران، درباره راهبردهای روسیه در دوران پوتین و نگاه این کشور به اروپا بپردازیم. هرچند در بخشی از گفت‌وگوی نزدیک به یک‌ساعته، به مسائلی درباره همکاری‌های مسکو-تهران در زمینه‌های مختلف نیز پرداخته شد اما به جهت احتمال کارشکنی کشورهای غربی در این زمینه، این بخش به درخواست جاگاریان، از متن گفت‌وگو حذف شده است. متن این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

عکس: خبرگزاری مهر

ادامه از صفحه ۲

می‌گفتند روسیه ۱۰ هزار سرباز روسی برای اعزام آماده کرده است. من خیلی تعجب می‌کنم. امیدوارم کسی که چنین چیزی می‌گوید سالم باشد و مریض نباشد. کار تا این اندازه عمق پیدا کرده که حتی مردم کاتالونیا در شهر بارسلونا، به زبان روسی یک آواز سنتی و ملی را خواندند. شما درست اشاره کردید. نه فقط سیاستمداران که برخی رسانه‌ها دیدشان نسبت به روسیه خیلی منفی است. اگر یادتان باشد در اوایل شیوع کرونا، وضع در ایتالیا خیلی دشوار و خطرناک بود. به‌خصوص در استان «لومباردی» ایتالیا که ما نیروهای زیادی را فرستادیم. هواپیماها و پزشکان نظامی به این منطقه اعزام شدند. یکی از روزنامه‌های ایتالیایی پس از این نوشت که روس‌ها به ایتالیا کمک می‌کنند تا ایتالیا به لغو تحریم‌های غربی ضدروسیه کمک کند. اصلا چنین چیزی نبوده است. ما هرگز از اروپا خواهش نکردیم، نمی‌کنیم و نخواهیم کرد که تحریم‌ها را لغو کنند. آنها تحریم کردند، ما ضدتحریم بوده‌ایم. اگر تحریم را لغو کنند، استقبال می‌کنیم و ضدتحریم‌هایمان را لغو می‌کنیم و گرنه به این مسیر ادامه می‌دهیم. تحریم، ضدتحریم. این بازی باخت-باخت به‌نفع آمریکا است. دیر یا زود اروپا این را باید درک کند که ما از این تحریم‌ها نمی‌ترسیم. حتی کشاورزان ما تا اندازه زیادی از این وضع خوشحال شدند چون توانستند تولیدات کشاورزی خود را به اندازه زیادی افزایش دهند.

آمارها می‌گوید شما در سال گذشته ۲۵۰ میلیون تن گندم برداشت داشتید.

بله. دیگر ارقام معنا ندارد. عدم رقابت به‌نفع کشاورزان بوده است. می‌گویم شاید بهتر است این وضع ادامه پیدا کند. با این تحریم‌ها اروپا نمی‌تواند سیب، زیتون و خیلی چیزهای دیگر به روسیه صادر کند.

با وجود تمام تبلیغات غربی و تحریم‌ها، تمایل به همکاری و نزدیکی با روسیه در جامعه نخبگانی اروپا افزایش پیدا کرده است.

بله. بستگی دارد. در جمهوری‌های بالتیک این‌طور نیست. آنجا مسائل متفاوتی دارد. آنها همچنان از تجربه تلخ خود، رابطه با روسیه را قضاوت می‌کنند. این مساله داخلی آنهاست. باشد. اگر نمی‌خواهند که نمی‌خواهند. ما آماده هستیم با همه کشورها روابط خوبی داشته باشیم. ما با یونان و قبرس روابط خوبی داریم ولی تاکید می‌کنم روابط مساوی، برابر و با احترام متقابل باشد.

درباره حوزه تمدنی هم سوالی دارم. همان‌طور که می‌دانید مردم غرب آسیا و ایران، روسیه را نه از لحاظ سیاسی بلکه از لحاظ تمدنی مشابه غرب می‌دانند. کشورهای اروپای غربی چندصد سال درگیری‌های خونین با بیش از ۱۰۰ میلیون کشته داشتند با این حال با یکدیگر در قالب اتحادیه اروپا شراکت دارند. با وجود اینکه روسیه در ۳۰۰ سال گذشته نقش پررنگی در تحولات اروپا داشته، با مسکو معامله‌ای همچون ترکیه دارند و سعی می‌کنند با روس‌ها غیریت‌سازی کنند و وارد شراکت نشوند. نمونه‌اش هم نزدیکی به روسیه هستند، بهانه‌ای برای غیریت‌سازی خودشان از لحاظ ادراکی برای ما به روسیه درست کردند. دلیل این نکته سخت اروپا به‌خصوص غربی‌ها به روسیه چیست؟ منظورم این است که این می‌خواهند بگویند ما متفاوت از اروپا هستیم.

درست است. منظور هستند. روسیه فرهنگ خودش را دارد. روسیه یک کشور متنوع است. شما وقتی «روسیه» می‌گویید منظورتان کسی است که نژاد روس دارد ولی ما متنوع هستیم. در قفقاز شمالی مردم در موسیقی و آداب و رسوم گرایش به شرق دارند. در داغستان و چچن مسلمانان زندگی می‌کنند. در تاتارستان کسانی هستند که به شیعه تاتاران و ترکان شرقی و آسیایی میانه نشان هستند. مثلا در جمهوری «کالمیکیا» [یکی از جمهوری‌های فدراسیون روسیه] خیلی به مغول‌ها نزدیک هستند. لذا نمی‌توان گفت روسیه متعلق به غرب است. ما هم غربی هستیم و هم شرقی. روسیه کشور بزرگ و پهناوری است که یک‌سوم خاک‌کش در اروپا است. لذا هم کشور اروپایی است و هم کشور آسیایی. یک داستان جالب برایتان تعریف کنم. بین سفرا سدم رایم سفیری که به‌تازگی وارد یک کشوری می‌شود، به دیدار سفرایی می‌رود که مدت طولانی در یک کشور حضور دارند. سفیر پیشین هفته قبلی ایران آمده، این کار را کرد ولی خیلی دیر به دیدار من آمد. وقتی که آمد، گفت «بخشید آقای سفیر که دیر آمدم. قرار بود در کم نخست تنها با سفرای اروپایی ملاقات داشته باشم.» گفتم «من که سفیر آفریقایی نیستم! من نیز سفیر اروپایی هستم.» در ذهن آنها این‌طور تقسیم‌بندی شده که اروپایی، فقط کشورهای اتحادیه اروپا هستند و کسی که خارج از اتحادیه است، اروپایی نیست. من به او یادآوری کردم که روسیه خوشبختانه عضو اتحادیه نیست ولی به هرحال یک‌سوم سرزمین‌مان در اروپا است. ما کشوری متنوع در فرهنگ و رسوم هستیم. این دلیل قوت ماست.

به موضوع روابط با ایران هم بپردازیم. برخلاف آنچه در رسانه‌ها منتشر می‌شود و برخی افراد در ایران تاکید دارند، روابط ایران و روسیه هیچ‌گاه استراتژیک نبوده است. ما «اهداف استراتژیک» ی با روسیه داشتیم و داریم ولی این به سطح روابط استراتژیک نرسیده است.

بله. همین‌طور است.

از این منظر وارد موضوع می‌شوم. ما یک الگوی همکاری در سوریه داشتیم که از آن اظهار رضایت می‌کنیم.

چرا داشتیم؟ بگیلد باید گفت همچنان هم داریم.

بله همچنان نیز داریم. ۵سال پیش در زمانی که روسیه می‌خواست وارد سوریه شود، صحنه به شفافی امروز نبود و نه ما و نه روسیه نمی‌دانستیم درنهایت چه اتفاقی خواهد افتاد. سوالم این است که با چه توجیهی مسکو حاضر شد وارد نزاعی در منطقه غرب آسیا شود؟ ضمن اینکه باید به این توجه کنیم که سوریه، یکی از جدی‌ترین ورودهای مسکو به منطقه بود و اگر در آن شکست می‌خورد، تبعات بسیار سنگینی متوجه روس‌ها بود.

چرا برای مسکو؟

از این بابت که بعد از چند دهه، این نخستین ورود شما در منطقه بود و اگر این همکاری منجر به شکست می‌شد...

نه فقط برای مسکو، برای تهران هم. چون آقای بشار اسد متحد نزدیک شما بود. نه فقط برای روسیه، برای ایران هم شکست بود. برای ایران هم بگویید.

بله، برای هر دو کشور شکست به حساب می‌آمد. من تمایل دارم بدانم آن روز که مسکو به چنین جمع‌بندی‌ای رسید، چه خطری را درک کرده بود؟

اگر یادتان باشد تروریست‌ها از سرتاسر جهان از اروپا، آسیای مرکزی و حتی روسیه در سوریه جمع شدند. آقای پوتین چه گفت؟ گفت بهتر است آنها را خارج از روسیه سرکوب کنیم، ما به دولت سوریه، «رژیم سوریه» نمی‌گوییم. کسی که به دولت سوریه، رژیم می‌گوید، قبل از آن باید به خودش نگاه کند که چه دولتی است. همه باید بگویند دولت قانونی جمهوری عربی سوریه.

پس اگر دو کشور مداخله نمی‌کردند، سوریه تبدیل به یک کشور تروریست‌ها می‌شد. یادتان هست که آقای ترامپ در مناظرات انتخاباتی سال ۲۰۱۶ چه گفت؟ گفت «داعش باید خیلی از خانم هیلاری کلینتون تشکر کند و باید به او مدال بدهد زیرا او داعش را تاسیس کرده است، نه من‌دانیم چه کسی داعش را تاسیس کرده است. آقای ترامپ این را گفته و شاید اطلاع دارد. ما نمی‌دانیم. چند روز پیش آقای الکساندر لاورنتیف نماینده ویژه رئیس‌جمهور روسیه در امور سوریه به ایران سفر کرد و ملاقات‌های خوبی با آقای شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران و وزارت امور خارجه داشتند. قبلا هم ما اعلام نمودیم. این هیات به بیروت هم سفر کرد. ما تلاش می‌کنیم کنفرانسی برای بازگرداندن آوارگان سوری از کشورهای اروپایی و خاورمیانه برگزار کنیم. عکس‌العمل غربی‌ها و آمریکا منفی است. آنها نمی‌خواهند تا زمانی که بشار اسد در قدرت است، راجع به این موضوع صحبت کنند. ولی این آوارگان را سنگینی برای کشورهای پذیرنده‌شان هستند. مثلا لبنان خود در شرایط دشواری قرار دارد. لذا من فکر می‌کنم کشورهای منطقه علاقه‌مند هستند که این کنفرانس برگزار شود تا موضوع آوارگان حل شود. ما از همکاری دوجانبه ایران و روسیه خیلی راضی هستیم.

**بعد از حضور در سوریه، گفته شد روسیه حضور در غرب آسیا را توجیه خواهد کرد. اینکه مسکو علاقه‌مند است در منطقه بازیگر فعال‌تری باشد. قابل قبول است. اما براساس نظرات افراد نظامی هرقدر کشورهای دوجانبه باشد، بدون درانتیار داشتن زمین، ظهور و بروز خاصی نمی‌تواند داشته باشد. آمریکا شبکه‌های تروریستی را با کمک‌های مالی شکل می‌دهد و این نایمان در راستای منافع خودش بازی می‌گیرد. ضمن اینکه رژیم صهیونیستی به‌عنوان متحد غرب، وظیفه تامین منافع آنها در منطقه را برع